هو الله - سبحانک اللّهمّ يا الهی لک الحمد بما اشرقت…

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ٣٩٦

### هو الله

سبحانک اللّهمّ يا الهی لک الحمد بما اشرقت انوار الفلاح و النّجاح و تبلّج صباح الألطاف علی مشارق الأرض و مغاربها بما سطعت و لاحت شمس الحقيقه من حيّز الأرواح الی عالم الأشباح و دارت کؤوس الرّاح الطّافحة برحيق من ابدع المعانی و الأسرار. الهی الهی هؤلآء الأخيار انجذبوا الی ملکوت الأنوار و خاضوا فی غمار بحار الآثار و التقطوا لئالئ الحکمة و جواهر العرفان من المحيط العظيم المتتابع الأمواج علی سواحل الامکان. ربّ اشدد الأزور و قوّ الظّهور علی خدمتک و الثّبوت علی ميثاقک يا ربّی الغفور و انصر کلّ عبد شکور و وفّقه علی الأمر المبرور و رنّحه منَ الکأس الطّهور مزاجها کافور و انطق الألسن بابدع البيان بالحجّة و البرهان علی اشراق نورک فی بحبوحة الأکوان و اجعلهم آيات توحيدک فی حيّز الأکوان. ربّ ربّ اجعل احبّائک کلمات تامّات و حروف عاليات فی هذا اللّوح المحفوظ و الرّقّ المنشور صقع التّکوين المستنبأ الآيات من اسرار التّدوين. ربّ اجعلهم اشجاراً باسقة فی هذه الحديقة الغنّاء و اثماراً فائقه علی شجرة طوبی و رياحين معطّرة فی رياض الهدی و اسوداً زائرة فی غياض البقآء. ربّ وفّقهم علی العمل بما علّمتهم يوم الاشراق علی الآفاق ليدعوا النّاس بالأعمال الصّالحة الخاصّة بالأبرار المذکورة فی الصّحائف و الألواح. ربّ انشر بهم اعلام الفلاح و ارفع بهم شراع الآثار علی بحر الأسرار انّک انت العزيز المقتدر الکريم الرّحيم الوهّاب و انّک انت اللّطيف العظيم الباعث المهيمن المختار.

ای ياران الهی سراج امر ربّانی محاط به ارياح شبهات اهل هوی گشته و زجاجی جز فضل و موهبت پروردگار نداشته. جميع ملل عالم علی‌الخصوص حزب بيانی به القاء شبهات نامتناهی قيام نموده‌اند و بر طلعت مقصود حضرت موعود و اين مظلوم لسان افترا و بهتان گشوده‌اند. حضرت اعلی روحی له الفدآء در هر سطری بلکه هر آيه‌ای از بيان ايقاظ فرموده‌اند و وصايا و نصايح نموده‌اند بلکه عجز و زاری کرده‌اند و از اهل بيان بی‌ايقان خواهش و رجا نموده‌اند که در يوم ظهور جمال مشکور استکبار و غرور ننمايند و اعتراض بر زبان نرانند و به هيچ وسيله‌ای تشبّث نکنند و چون ملل سابقه به ظاهر آيات تمسّک نجويند بلکه به مجرّد اشراق ربّنا انّا سمعنا منادياً ينادی للايمان ان آمنوا بربّکم فآمنّا بگويند. حتّی به جناب شخصی جليل خطاب می‌فرمايند ايّاک ايّاک ان تحتجب بالواحد البيانی او بما نزّل فی البيان، يعنی مبادا که يوم ظهور به واحد بيانی محتجب شوی و واحد بيانی نفس مقدّس و هيجده حروف حيّ است يعنی اثبات ظهور او را مشروط به اقبال آنان مکن. همين بيان برهان کافيست که ظهور من يظهر در روزيست که اکثر واحد بيانی باقی و دليلی اعظم از اين نه و همچنين می‌فرمايد مبادا به آنچه در بيان نازل محتجب شوی يعنی نظير امم انجيل و فرقان و تورات مشويد که در يوم ظهور استدلال به کتاب نمودند و از جمال موعود محروم گشتند. يکی فرياد برآورد ولکنّه رسول اللّه و خاتم النّبيّين نصّ قرآن مبين است. ديگری گفت انّ السّمآء و الأرض يمکن ان يزولا ولکن کلام ابن الانسان لن يزول ابداً. ديگری نصّ تورات بيان کرد که من کسر السّبت ولو اتی بمعجزات فاقتلوه. باری جميع امم محتجبه تمسّک به ظواهر کتاب نمودند و از ربّ الأرباب محروم ماندند. زنهار زنهار ای اهل بيان به کتاب و واحد بيانی از جمال ربّانی محروم مگرديد. با وجود اين صراحت اهل بيان را ملاحظه نما که به چه درجه بر بغض و عداوت قيام نموده‌اند و به کلمه مستغاث تشبّث جسته‌اند و مکتب من يظهره اللّه را بهانه نموده‌اند و می‌گويند اين المستغاث و اين مکتب من يظهره اللّه. سبحان اللّه در نصّ بيان می‌فرمايد زنهار زنهار محتجب بما نزّل فی البيان مشو با وجود اين اين بيخردان جميع بيان را گذاشته و به ظاهر اين چند کلمه تشبّث جسته و بر محبوب طلعت اعلی و مقصود نقطه اولی زبان طعن گشودند با وجود آنکه به نصّ کتاب می‌فرمايد اگر امروز ظاهر شود فانا اوّل المؤمنين و همچنين خطاب به يحيی در الواح می‌فرمايد که اگر اشراق سطوع کند خاضع و خاشع شو. و از اينها گذشته جميع بيان را مطالعه نمائيد هيچ مقصدی و مرادی جز انجذاب به نفحات قدس طلعت موعود نه زيرا جميع مسائل را منتهی به ظهور من يظهره اللّه می‌فرمايند و ظهور او را مانند کتب اوّليّه سماويّه قطعيّاً مشروط به شروطی نفرموده‌اند. امّا در قرآن مبين ظهور موعود را به نصّ صريح شروطی و لقآء رحمن را علائم و دلائلی. از جمله قيام قيامت کبری و شروطی اخری مصرّح در آيات مبارکه قرآن. لهذا امّت فرقان فرياد برانگيختند و جزع و فزع نمودند و گفتند اگر اين حضرت موعود است و قيامت برپا گشته است اَيْنَ زلزلة الأرض زلزالها و اخراج الأرض اثقالها و اين التّحدّث باخبارها و اين انفطار السّمآء و انتثار نجومها و اين تکوير الشّمس و ظلام ضيآئها و اين انشقاق القمر و ارتجاج الأرض الغبرآء و سير جبالها و اين الملائکة و صفوفها و اين الجنود المجنّدة و سليل سيوفها و اين اتيان الرّبّ فی ظلل الغمام بقوّة قاهره و الملائکة قبيلها. اين صور اسرافيل و اين صيحة جبرائيل و اين الدّجّال و اين السّفيانی و اين طيّ الأرض و اين طيران النّقبآء و اين الصّراط و اين الميزان و اين الحساب و اين الکتاب و اين السّلاسل و الأغلال و اين الجحيم و ضرام نيرانها و اين جنّة النّعيم و عطريّة نفحاتها. اين الحور و اين الغلمان و اين تزيين الجنان اين الکوثر و السّلسبيل و اين التّسنيم و کأس مزاجها زنجبيل. حضرت اعلی روحی له الفدآء می‌فرمايد که جميع اين وقوعات در طرفة العين واقع گشت و يوم خمسين الف سنه در لحظه‌ای منطوی شد. يا للّه يا للّه يا للّه اَيْن اهل الانصاف، جميع اين وقايع عظيمه با يوم خمسين الف سنه در لحظه‌ای واقع شد و قضی الأمر الّذی فيه تستفتيان کامل گرديد امّا يک مستغاث و مکتب من يظهره اللّه در پنجاه سال منتهی نشد لا حول و لا قوّة الّا باللّه، فاعتبروا يا اولی الأبصار فانتبهوا يا اولی الأفکار و انصفوا يا اولی الأنظار. اينست که می‌فرمايد و ان يروا کلّ آية لا يؤمنوا بها فبعداً للقوم الغافلين.

الهی الهی اسئلک بقوّتک النّافذة فی حقائق الأشيآء ان تخرق الأستار عن الأبصار و تکشف السّبحات بآيات بيّنات و ترفع الغطآء عن جمال الهدی و تنقذ الغفلآء و حزب البلهآء. ربّ انّهم خذلة خلقک و رذلة بريّتک و هَزَلة عبادک و لمزة اهل بلادک و همزة اهل الشّبهات فی ارضک يحضرون المحافل الکبری و يطلقون الألسن بالشّبهات حتّی تزلّ به الأقدام. ربّ احفظ المخلصين عن سهام الرّيب و شبهات نفوس ترمی بالغيب و اجعل القلوب مرايآء الأسرار و العيون قريرة بمشاهدة الأنوار و الأرواح منجذبة الی ملکوت الأسرار انّک انت الکريم انّک انت الرّحيم انّک انت العزيز المقتدر المختار. ع ع

يا اهل اللّه امتحان شديدی در پيش و افتتان عظيمی حاصل. قدم ثابت نمائيد تا نابت گرديد و قوّه رسوخ بنمائيد و مانند جبل راسخ اين امتحان را مقاومت نمائيد و المخلصون فی خطر عظيم را فراموش ننمائيد. دو سال پيش مناجاتی به دهج ارسال گشت. حال ملاحظه نمائيد، هذا ما هو المذکور فی ذلک الرّقّ المنشور. ع ع